

# مراجعه به افکار عمومی

## در تعیین امام

کرده اند که «لیبرالسم» و سیستم حکومت دموکراسی وسیله مسلمانان، موقع انتخاب «ابی بکر» برای خلافت، پایه گذاری گردیده است، این طرز از حکومت پیش از آنکه در میان جامعه غربی پیاده شود، در میان مسلمانان پس از درگذشت پیامبر جامعه هستی بخود پوشیده و از این راه افتخار تازه ای نصیب آنان گردیده است.

اکنون باید دید که این نظر تا چه حدی درست و پابرجا است، تجزیه و بررسی همه جانبه موضوع، در گرو توضیح دو مطلب است که می تواند روشنگر بحث ما باشد.

اولاً: باید قبل از مراجعه به افکار عمومی، به طور صحیح ارزیابی کنیم که تا چه اندازه می تواند صلاح جامعه را تأمین کند؟ آیا بینش اجتماعی و پایه

در میان شیوه های گوناگون حکومت، فرما - نروائی مردم بر مردم، حاکمیت اکثریت بر اقلیت، مورد پسند و ستایش دنیای امروز است؛ و رهبران سیاسی و حقوق دانان بزرگ بشر؛ این نوع از حکومت را، سیستم ایده آل، و حکومت حق و عدالت تصور نموده اند، و تاکنون نیز برای گشودن گره کور «حکومت» راهی بهتر، و چاره ای جز این نیندیشیده اند.

فعلاً بدرستی یا نادرستی این طرز از حکومتها؛ کار نداریم، اگر چه در بحث گذشته به گونه ای فشرده پیرامون آن بحث و گفتگو به عمل آمد، محور بحث ما فعلاً، پیرامون سخنی است که برخی از نویسندگان اهل تسنن، به پیروی از گذشتگان، پیرامون انتخاب خلیفه در روز سقیفه، دارند؛ و تصور

در بخش نخست که اساس این مقاله را تشکیل میدهد به گونه‌ای فشرده می‌گوئیم که: شرط اساسی برای مراجعه به افکار عمومی، که پایه حکومت‌های دموکراسی غربی است! این است که، بینش اجتماعی و فرهنگی رای، دهندگان به پایه‌ای برسد که برآستی بتواند اصلاح و فساد خود را بخوبی تشخیص دهند، و سپس بر طبق تشخیص خود عمل نمایند و به عبارت روشنتر در تعیین رهبر خویش و یا نمایند، پارلمانی، اسیر احساسات تند و غلط نگردند و تحت تاثیر عواطف و خواسته‌های زودگذر و بد فرجام نفسانی، واقع نشوند، و راهنمای آنان برای هر گونه تصمیم فروغ عقل، منطق صحیح، تفکر سالم، بوده و آن چنان مستقل و بااراده و با شخصیت باشند که آلت دست و تعزیه گردانان صحنه‌های سیاست که به‌عنوان مختلف‌گروه‌هایی را بسری خود جذب می‌کنند؛ و افکار آنان را از مسیر صحیح منحرف می‌سازند، نشوند.

علت اینکه در میان شرایط دیگر فشار بحث را روی این شرط قرار میدهم این است که در دموکراسی غربی، شرایط دیگر: به‌روش شایسته‌ای انجام می‌گیرد و نمایندگان به‌راستی نمایندگان مردم و ملت هستند، و حکومت با تمام شکل‌های خود، خواسته مردم بوده و هر نوع تصمیم مهمی که باسر-نوشت ملت ارتباط دارد، بدون مراجعه به افکار عمومی رنگ قانونی نداشته و امکان اجراء ندارد. ولی مشکل چیز دیگر است، و آن مشکل نبودن بینش‌های عالی اجتماعی در توده‌هایی است که اکثریت ملتها را تشکیل میدهند، و با کمال تأسف

درد نوع مردم؛ به آن پایه هست که بتوانند رهبر لائق را از نالائق و صلاح خود را از فساد؛ تشخیص دهند یا نه؟

**ثانیاً:** حادثه سقیفه را باید به دقت از لابلای تاریخ استخراج نمود، و دید که آیا برآستی در آن روز به افکار عمومی مراجعه شد یا نه، و بر فرض مراجعه؛ سطح فکر، و طرز تفکر و پایه درد رأی دهندگان، در چه حدودی بوده است، آیا از نظر واقع بینی و درک حقیقت به حدی رسیده بودند که بتوانند دور اندیش و واقع بین گردند؟ و در پرتو فروغ عقل؛ و شور و مشورت لایقترین فرد را برای حکومت و رهبری انتخاب نمایند؟

این قسمت از بحث در خور بررسی گسترده‌تر از آن است که مادر این جا می‌نویسیم، و شایسته بینش‌های امروزی، این است که موضوع خلافت از این زاویه بیشتر مورد بررسی قرار گیرد، و بیعت اهل حل و عقد و پیام‌هاجر و انصار، که در کتاب‌های کلامی وارد شده است؛ از دیدگاه دانشمندان امروز، و بینش‌های علمی و جامعه‌شناسی کنونی، تجزیه و تحلیل گردد، و اگر در کتاب‌های عقاید و مذاهب، نسبت به این نوع از بحث، توجه شایانی انجام نگرفته است برای این است که روش بحث در این زمان دگرگون شده، و مسائلی عنوان شده است که هرگز برای پیشینیان، مطرح نبوده است و این دگرگونی لازمه تکامل علوم و تحولات اخیر علمی میباشد.

**شرط اساسی برای مراجعه به افکار عمومی:**

آراء زیادی جمع کرده و عواطف ناپیمنای مردم را بسوی آنان تحريك مينمايند .

کيست که انکار کند که مثلا در انتخاب رئيس جمهور ایالات متحده صاحبان سهام کارخانهها ، بانکداران و يهوديان پولدار مؤثر نيستند ؟!

نتيجه حکومتي که اساس آن را ، تعداد رأی تشکيل دعد و رأی دهنده هر که باشد و آرائی که از طريق سمس و پول و تهديد ، جمع آوری گردد ، جز این نخواهد بود که جهان امروز شاهد اوضاع اسف انگيز آن است ، و در حقيقت از «ليباليسم» و آزادی فردی در غرب ، کسانی استفاده میکنند که زور و زر ، و قدرت و پول و وسائل تبلیغاتی در اختیار دارند و برای جلب آراء ، ميليونها دلار و ليبره خرج میکنند و با صدها تا کتيک تبلیغاتی وارد میدان میشوند . و به نتيجه ميرسند ، و غالباً متفکران بزرگ ، سیاستمداران واقع بين و دلسوز ؛ رهبران باک و پيراسته ، بر اثر عدم امکانات و نبودن نفوذ و قدرت ، از این آزادی بهره برداری نموده و همواره در کنار اجتماع محرومانه زندگی میکنند .

\* \* \*

شما فرض کنید که بازیگران صحنه سياست ، صاحبان نفوذ و قدرت ، از دخالت در انتخابات و رهبری فکری توده مردم کنار بروند ، آیا توده مردم و اکثریت طبقات ، آن چنان صالح و اندیشمند هستند که بتوانند مصالح عمومی را بصورت صحيح و درست تشخیص دهند؟

آیا به حکم لیبرالیسم و آزادی فردی است که باید حسد و پنجاه ميليون گاو آزادانه بچرد ، و

باید گفت که همین «اکثریت عددی» است ، که بار سنگین حکومت دمکراسی را به دوش کشیده «ولیبالیسم» غربی را پدید آورده است .

درست است که تمام طبقات و قشرها با کمال آزادی پای صندوق رأی میروند و هر کس به کاندیدای مورد نظر خود رأی میدهد ، و رأی او نیز خوانده میشود و در تعیین رهبر و سرنوشته مملکت ، اثر خود را مینماید ولی ناگفته پیداست سرانجام حکومتي که شالوده آن آراء افردی است که به عناوین مختلف میشود آنان را فریب داد ، و نا خود آگاه در مغز آنان رأی آفرید ، و به شیوه غربی رأی آنان را خرید چه خواهد بود ؟

همگی میدانیم که در موقع انتخابات در غرب همه جناحهای منخاصم دست بکوشش و تکاپومی زنند و گروهی برای جلب قلوب تودهها از عوامل مختلفی از مشروع و نامشروع از میتینگهای خیابانی و مطبوعات و تاتروفيلم و سینما گرفته تا برسد به مانکن ها و رقاصهها و هنرپیشههای سینما ، و چاپ عکس و اسم کاندیدها بر روی لباس و مواضع بدن آنها ، به نفع خود کمک گرفته و ناخود آگاه در مغز مردم سده لوح برای خود جای باز میکنند و آن چنان احساسات تند مردم را تحريك میکنند ، که در حقيقت عده ای بی اختیار در روز انتخابات پای صندوق رأی رفته ، و رأی میدهند . در دمکراسی غربی و سوق دادن مردم به رأی ریزی و آفریدن رأی در مغزها سرمایه داران بزرگ ؛ بانکداران حتی صاحبان کابارهها و قمارخانهها و کانتکسترها نقش عمده ای بازی می کنند همینها هستند که برای يك و کيل و یا سناتور ، یا زمامدار ؛

مجاز اعلام گردید ، و اراده توده ها بر اراده سنا تورها  
و نمایندگان پیروز ، گردید ؟

آیا نتیجه آزادی فردی است که تنها در یکی از  
چهار راه های پاریس ، در سال حدود هزار و چهارصد  
جنایت بصورت های مختلف اتفاق می افتد این هاملتی  
هستند که سابقه دو قرن تمدن و فرهنگ و تربیت  
اجتماعی دارند و هر فرانسوی در روز تقریباً ۲۵۰  
صفحه کتاب جیبی ، میخواند !

وقتی که حال ملت با اصطلاح متمدن ورشد یافته  
چنین باشد ، حال ملت های دیگر ، معلوم است !  
تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل

مزارع را ویران سازد و سرانجام قالب تهی کند ؛  
ولی کسی جرأت استفاده از گوشت آن را نداشته  
باشد. و در کنار آن میلیون ها کودک ، و بزرگ از  
گرسنگی نیز جان بسپارند ؛ و هر گاه حکومتی  
برای نجات جان کودکان و بزرگان ، شهامتی  
بخرج دهد و بخواهد که این رسم دیرینه را از  
بین برد و استفاده از گوشت گاو را به اندازه ضرورت  
تجویز کند آنچنان طوفانی سراسر کشور را  
فرامی گیرد که حکومت را متزلزل و یاساقط سازد.  
آیا به جرم لیبرالسم فردی بود که در آمریکا  
پس از تحریم مشروبات الکلی ؛ و تصویب سنا  
و شورا ، باز ساختن و خرید و فروش و صرف آن

## از خدا بترس

امیر مؤمنان علی (ع) فرمود :

اتق الله الذی لا بد لك من لقائه ولا منتهی لك دونه : از خدائی

که سرانجام درداد گناه عدل او حاضر خواهی شد و مسیر توبه سوی او است

بپرهیز !